

## عنوان مقاله:

واکاوی رابطه فهم با استعاره، روایت و کنش در اندیشه ریکور

## محل انتشار:

دوفصلنامه فلسفه، دوره 49، شماره 1 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

## نویسندگان:

سیده اکرم برکاتی - دانش آموخته دکتری فلسفه دانشگاه اصفهان

یوسف شاقول - دانشیار گروه فلسفه دانشگاه اصفهان

محمدجواد صافیان - دانشیار گروه فلسفه دانشگاه اصفهان

## خلاصه مقاله:

در مواجهه با متون ادبی، آثار هنری، فیلم ها و ... که سرشار از نسبت های میان استعاره، روایت و کنش هستند، ممکن است همواره این پرسش مهم مطرح شود که نسبت آن ها با یکدیگر و نیز نسبت آن ها با فهم ما چگونه است؟ در پژوهش حاضر برای پاسخ به این مسئله، اندیشه ریکور را بررسی می کنیم. نظریه ما این است که فهم در تفکر ریکور، از ویژگی استعاری، روایی و کنش مندی برخوردار است. ویژگی استعاری فهم در تفکر ریکور را بر اساس ساختار «به منزله» در فهم و درک شباهت ها در عین تفاوت ها نشان خواهیم داد. در تلقی ریکور روایت و طرح روایی نیز مانند استعاره، امور همگون را از میان امور ناهمگون و متکثر گرد می آورد و وحدتی نظام مند به آن می بخشد. به نظر وی، ابداع و خلاقیت روایی در ارتباط با ارجاع به واقعیت، می تواند منشا کنش های فرد و نمودار نسبت فهم و کنش باشد. به این ترتیب، می توان گفت در اندیشه ریکور، استعاره، روایت و کنش از وجوه ذاتی فهم هستند و در فهم، به نحو مبنایی در ارتباط با یکدیگر قرار دارند. از آنجا که وی در حوزه هرمنوتیک، متن و فهم متن را به فراسوی نوشتار بسط می دهد، تحلیل این مطلب، ما را از اهمیت نوع مواجهه مان با انواع متون، در مفهوم گسترده آن آگاه خواهد کرد.

## کلمات کلیدی:

ریکور، فهم، استعاره، روایت، کنش

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1256910>

